

آموزش بازیگری تئاتر

تاریخچه:

باید اعتراف کرد بی دلیل نبود امکانات چاپ و نگهداری اسناد در دوران قدیم مدرک معتبر و مستندی از آن دوران کهن در هیچ زمینه ی هنری باقی نمانده است (برای کسب اطلاعات بیشتر به کتب تاریخ عمومی هنر موجود که بسیار زیاد هم هستند مراجعه فرمائید) اما برخی منابع معتبر تاریخی به ما می گوید که در سال ۱۸۷۹ میلادی فردی اسپانیائی در غارهای آلتامیر واقع در آمریکای جنوبی قدیمی ترین آثار هنری جهان را در قالب نقاشی مربوط به ۱۰ تا ۱۵ هزار سال قبل یافته است. نقاشی گرانبهائی که انسان اولیه به منظور سحر و جادو برای موفقیت در شکار خود یا ثبت و جاودانه کردن آن موفقیت با کمک خاک رس، دوده ی آتش و کمی پیه ی شکار بر دیواری ترسیم نموده است.

وقتی انسان اولیه حیوانات را اهلی کرد انقلاب واپسین سنگی را بوجود آورد و به عصر دیرینه سنگی پایان داد. سنگها را در نهایت دقت و ظرافت استفاده و ابزارکار را ساخت. کار روی فلزات، کوزه گری، بافندگی و ریسندگی و حتی کارهای اولیه ی ساختمانی را با خاک، گل و آجر تجربه کرد مجسمه های یافته شده از آن دوران سرهائی متعلق به ۶ یا ۷ هزار سال قبل از میلاد و اسکلت های واقعی انسان هستند که با موادی پوشیده شده اند تا شکل انسانی بگیرند. این روش تا پایان دوره ی امپراتوری روم ادامه داشت. علت هم این بود که انسان می خواست با اینکار در راه جاودانگی خود گام بردارد چون آنها معتقد به وجود روح بودند و محل آنرا هم در سر می دانستند! لذا سعی در نگهداری سرهای دوستان و دشمنان در کنار خود همواره مزید علت برای ساخت مجسمه های آن دوران بوده است !!

احترام و عبادت هم یکی از خصوصیات مذهبی مردم ابتدائی است که با ساخت مجسمه بزرگان کم کم شکل بت به خود گرفت و عبادت شد آنچه از تمدن های افریقائی بر جامانده است مجسمه هائی با سرهای بزرگ و بدنهای کوچک می باشد چرا که آنها سر را جایگاه روح می دانسته اند. رقص های با ماسکی هم که از این تمدن باقی مانده است نمونه های مفیدی از نمایش تسخیر روح بشمار میروند! چیزی که تاریخ غرب با کتمان آن نقش عمده ای برای تغییر منشا تئاتر انجام داده است! تصور نگارنده بر این است که حتی در دوران دیرینه سنگی وقتی انسان اولیه بعد از تشکیل خانواده وظایف را براساس جنسیت تقسیم کرد، مرد را به شکار و حفظ خانواده گماشت و زن را مسئول پخت و پز و نگهداری کودکان ساخت (از همین نقطه است که تعریف کلمه ی مرد نشأت گرفته "مرد یعنی کسی که می میرد!") هم واژه نمایش بوده است!!... شکارچی که از شکار باز می گشت با سایر اعضای خانواده دور آتش می نشست! تصور کنید که او از جنگ هایش می گوید، از نبردهایش می گوید حتی ممکن است خود برخیزد و نمایش کوتاهی از شکار را بتنهائی بازی نماید و یا حتی از یک عصر حجری دیگر هم بخواهد که نقش شکار را بازی کند او با نیزه ای از جنس سنگ وی را شکار کند. این چیزی جز تعریف نمایش نیست. چیزی جز تاریخ فراموش شده ی نمایش نیست! چیزی که تاریخ نویسان با تمام خوبی هایشان در حق بشریت به فراموشی سپرده اند و اینک نمایش را به یونان نسبت می دهند! ما در این نمایش عناصر مورد لزوم و اصلی نمایش یعنی داستان، فرم، تماشاجی، بازیگر، صحنه، کارگردان و ... بخصوص ارتباط بین نمایش و تماشاجی را داریم!

واژه شناسی:

واژه ی هنر در زبان سانسکریت، ترکیبی از دو کلمه سو به معنی نیک و نر یا نره به معنای زن و مرد است. در زبان اوستایی سین به ها تبدیل شده و واژه هونر ایجاد گشته است که در زبان پهلوی یا فارسی میانه به شکل امروزی (هنر) درآمده است که به معنای انسان کامل و فرزانه است. در ادبیات ایران در دوره اسلامی این معنا دوباره دگرگون شد، و هنر به معنای کمال، فضیلت، هوشیاری، فضل، تقوی، دانش و کیاست و ... به کار رفت، که دارای بار معنایی عام بود:

به دشمن نمایم هنر هر چه هست / از مردی و پیروزی و زور دست (فردوسی)

چون غرض آمد هنر پوشیده شد / صد حجاب از دل به سوی دیده شد (مولانا جلال الدین محمد بلخی)